

قباد خان اول

نوشته: وحیدالله غالب



۲۴ عقرب ۱۳۹۱

قبادخان فرزند شاونجی فرزند شاخداداد یکی از شاهان شغنان بود. بعد از شاونجی پسرش قبادخان بقدرت رسید. قبادخان هم مانند پدرش مردی بود شجاع، مدبر و با رعیت خیلی مهربان، در یک کلام قبادخان تمام سجایای نیک پدر و جدش شاخداداد را در خود داشت. که اضافه تر از این چیز دیگری در مورد نیامده است و در کتاب های دیگری هم این نام آمده و در مورد این نام معلوماتی ارائه شده است. مگر راجه به قباد خان دیگر شاید بوده باشد. قسمیکه در کتاب دکتر صاحب نظر مرادی بدخشان در تاریخ راجع به قباد خان گفته شده است.

بعد از مرگ قبادخان کشمکش قدرت بین پسرانش عبدالعزیزخان و عبدالرحیم خان رویکار آمد. نزاع و کشمکش بین برادران به طول انجامید و آخر سبب ضعف هردو گشت. میرشاه امیر بدخشان از فیض آباد به مقصد آشتی و نزدیک ساختن برادران با صد نفر از سپاهیان مخصوص خود وارد شغنان گشت. میرشاه منحیث یک میانجی موفق در بین برادران ماموریت خود را انجام داد و توانست بین برادران صلح برقرار نماید. میرشاه بعد از میانجیگری موفقانه خود با لاله بیگم دختر عبدالرحیم خان ازدواج نمود. عبدالرحیم خان شغنان را به برادرش عبدالعزیز میگذارد و خود به اتفاق دامادش میرشاه راه فیض آباد را در پیش گرفت. قبادخان که از برادرش نهایت سرخورده مینمود هنوز چند روز از آزادیش نگذشته بود که سپاهیان خود را جمع و جور نموده به مقصد جنگ با برادرش رهسپار شغنان شد. جلال الدین در قلعه برینجه خود را حصاری ساخت و در حدی نبود که اقلا از خود دفاع نماید. طرفداران قبادخان او را دستگیر نمودند

و قبادخان بر تخت شاهی شغنان جلوس نمود. قبادخان به طرفدارانش دستور داد تا جلال الدین را به درهء واشهرو برده به قتل برسانند. قبادخان چندین بار قصد تصرف شاخدره را نمود ولی موفق نشد و آخر در اثر بیماری نسبتاً طولانی درگذشت.

پس این معلوم شده نمیتواند که این قباد خان اول است یا دوم چون قباد خان اول خدمت گار گفته شده است و قباد خان دوم کسی است که از دوران او کشمکش های زیادی در شغنان آغاز شده اند و مردم شغنان خیلی ناراحتی و پریشانی را در این دوره دیده اند.

نوت :

قباد خان اول از جمله شاهان شغنان است لیکن قباد خان دوم شاید از میرهای شغنان بوده باشد در زمینه از دوستان معلومات مزید را امیدواریم گرچه ما در تلاش روشن نمودن بهتر این موضوع هستیم و باز هم با یاری دوستان و همکاری شان ضرورت است. چون با یک دست صدا بر نمی آید!